



نام و نام خانوادگی:

زمان برگزاری: ۹۰ دقیقه



نام آزمون: فنون دهم ترم اول (تشریحی)

تاریخ آزمون:

۱ دو مورد از ویژگی‌های نثر زیر را بنویسید.

به روزگار خسرو، اندروقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم.

خسرو بنشست، چنان که رسم ملوک بود، و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر- بوذرجمهر- گفت: «ای فلان، همه چیز در عالم تو دانی؟» بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان!»

خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟

بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند.»

۲ با توجه به بیت «ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتم با دل‌ستانم می‌رود»

نوع هجاهای آن را با علامت مخصوص هر کدام مشخص کنید.

۳ وزن امری ..... است و بیرون از ذهن کسی که آن را درمی‌یابد وجود ندارد.

۴ اقدامات یعقوب لیث صفاری را شرح دهید.

۵ در کدام دوره نثر فارسی استفاده از لغات عربی کاهش و در کدام دوره افزایش می‌یابد؟

۶ زبان پارسی چه ویژگی‌هایی داشته است؟

۷ درستی یا نادرستی عبارت‌های زیر را با ذکر دلیل مشخص کنید.

الف) شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از تصویر کمک می‌گیرد.

ب) وزن در شعر جنبه تزئینی دارد.

۸ حروف (ا، و، ی) در کدام یک از کلمات زیر صامت و در کدام یک مصوّت هستند؟ مشخص کنید.

پ) روان:

ب) شیر:

الف) بازو:

ث) خون:

ت) یک‌رنگ:

۹ جاهای خالی را پر کنید.

الف) در شعر هریک از مصراع‌ها یا پاره‌های شعر از قطعه‌های کوچک و ایستگاه‌های آوایی، سامان یافته است؛ به هر کدام از این پاره‌ها ..... می‌گویند.

ب) شکل نوشتاری واج را ..... می‌گویند.

۱۰ شعر زیر را از نظر «نکات زبانی» بررسی کنید.

در جمع کمال شمع اصحاب شدند

«آنان که محیط فضل و آداب شدند

گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند»

ره زین شب تاریک نبردند برون

۱۱ لحن کدام بیت، با دیگر بیت‌ها متفاوت است؟ (لحن هر بیت را مشخص کنید)

الف) «سر و گوش بگرفت و بالش دلیر

سر از تن بکندهش به کردار شیر»

ب) «چو گرد پی رخس تو نیل نیست

هماورد تو در جهان پیل نیست»

پ) «غمی بود رستم بیازید چنگ

گرفت آن بر و یال جنگی پلنگ»

ت) «زبان درکش ار عقل داری و هوش

چو سعدی سخن گوی ورنه خموش»

۱۲ برای «تحلیل» شعر چه مراحل را باید طی کرد؟ به ترتیب نام ببرید.





عبارت‌های متناسب را به یکدیگر وصل کنید. (۱۳)

«الف»	«ب»
«پیش لب تو حلقه گشودم بنفشه‌وار»	تکرار مصوّت‌های کوتاه
«خوابِ نوشینِ بامدادِ رحیل»	واج‌آرایی در حرف «ش»
«از ننگ چه پرسى که مرا نام ز ننگ است»	واژه‌آرایی (تکرار)
	واج‌آرایی در حرف «م»

در بیت زیر دو آرایهٔ بدیع لفظی بیابید و آنها را بنویسید. (۱۴)

«مار دیدی در گیا پیچان کنون در غار غم      مار بین پیچیده در ساق گیا آسای من»

(۱۵) آرایهٔ ادبی «واج‌آرایی» را در بیت‌های زیر مشخص کنید.

الف) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی      خجسته باد چنین شب که دوستان بینی

«سعدی»

ب) رشتهٔ تسبیح اگر بگسست، معذورم بدار      دستم اندر ساعدِ ساقیِ سیمین ساق بود

«حافظ»

پ) زلف او دام است و خالش دانهٔ آن دام و من      بر امید دانه‌ای افتاده‌ام در دام دوست

«حافظ»

ت) دلی سربلند و سری سر به زیر      از این دست، عمری به سر بُرده‌ایم.

«قیصر امین‌پور»

ث) به جان جوشم که جوای تو باشم      خسی بر موج دریای تو باشم

«محمد رضا شفیعی کدکنی»

ج) ناز تو و نیاز تو، شد همه دلپذیر من      تا ز تو دلپذیر شد، هستی ناگزیر من

«حسین منزوی»

چ) شبی چون شبه روی شسته به قیر      نه بهرام پیدا، نه کیوان، نه تیر

«فردوسی»

ح) اینجا گذارِ خاطره‌های گذشته است      از این گذار بگذر و بگذار بگذریم

«وحید عیدگاه طرّبه‌ای»

(۱۶) جاهای خالی را با واژهٔ مناسب کامل کنید.

واج‌آرایی ..... از ..... محسوس تر است.

(۱۷) درست یا نادرست بودن عبارت زیر را مشخص کنید.

منظور از متن، فقط نوشته‌های روی کاغذ و کتاب است.

(۱۸) در عبارت زیر، واژه‌های سجع کدام‌اند؟ وجه اشتراک آنها را بنویسید.

گفت: «خاموش! که در پستی مردن، به که حاجت پیش کسی بردن.»

(گلستان سعدی)

(۱۹) هریک از موارد ستون «الف» را به مورد مربوط به آن در ستون «ب» وصل کنید.

الف.

۱. پدر شعر فارسی

۲. عمده‌ترین مرکز فرهنگی در زمان سامانیان

۳. نخستین گام مؤثر در رویارویی با متون

۴. زبان محاوره و مکاتبهٔ مقامات دولتی ساسانیان

ب.

الف. نیما یوشیج

ب. خواندن دقیق

پ. منوچهری

ت. بخارا

ث. فارسی دری

ج. رودکی



۲۰) نوع تکرار در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟ مشخص کنید.

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| الف. عشق و اساس عشق نهادند بر دوام   | یعنی خلل‌پذیر نگردد بنای عشق             |
| ب. پس هستی من ز هستی اوست            | تا هستم و هست، دارمش دوست                |
| پ. سرو را بین بر سماع بلبلان صبح‌خیز | همچو سرمستان به بُستان، پای کوب و دست‌زن |
| ت. هر کجا دردی است، درمانیش هست      | درد عشق است آن که درمانیش نیست           |